



در این گزارش **نگاهی** می‌انجامیم به زندگی نامه و فعالیت‌های شهید ادواردو(مهدی) آنبیلی و برخی شهدا و شخصیت‌های رهیافته و مسلمان‌شده و تاریخچه و فعالیت‌ها و دستاوردهای انجمن شهید ادواردو آنبیلی با استناد به صحبت‌های جمال طاهری و مطالب موجود در منابع معتبر.

گفتنی است، جمال طاهری مدیر انجمن اسلامی شهید ادواردو آنبیلی از فعالان عرصه فرهنگ و هنر و رسانه است. برخی سوابق فعالیت‌های طاهری چنین است: حضور و نویسندگی در ماهنامه‌ها و روزنامه‌ها و سایت‌های مختلف، دبیر بین‌الملل جشنواره مدافعان حرم سال ۹۶، مدیر مؤسسه چندمنظوره فرهنگی هنری رهیافتگان اسلام نبوی، مشاور و مسئول تأمین محتوای چندین قسمت از برنامه‌های تلویزیونی عقیق شبیکه ۵، مغناطیس شیکه ۱، کوی محبت شبیکه ۲، با نوای کاروان با اجرا در ۷ استان کشور، کشور، ویژه‌برنامه‌های عید قربان، عید فطر، مبعث، ویژه‌برنامه ماه رمضان شبکه قرآن، از جمله فعالیت‌های این مدیر فرهنگی و رسانه‌ای است.



شهید آنبیلی، شیعی‌ای ضدصهیونیست

شهید ادواردو آنبیلی پسر جوانی ایتالیایی ستاوار و ابروثومند کاتولیک ایتالیایی است. سنناوار جیووانی آنبیلی مالک کارخانجات اتومبیل‌سازی فیات، فرساری، لامبورگینی، لانچیا آلفارمسیو، ایوینکو، به همسره چندین کارخانه تولید قطعات صنعتی، چند بانک خصوصی، شرکت‌های طراحی مد و لباس، روزنامه‌های پرتیزاژ لاستامپا و کوریریه دل‌اسرا، باشگاه اتومبیل‌رانی فراری و باشگاه فوتبال بیونوتس بود. افزون بر اینها چندین شرکت ساختمان‌سازی، راه‌سازی، تولید لوازم پزشکی و بالگردسازی هم وجود دارد که خانواده آنبیلی جزو سهامداران اصلی آنها هستند.

ادواردو تنها فرزند پسر ستاوار آنبیلی است و قرار بود وارث این سونامی پول و سرمایه شود.

مادرش مارلا کاراچولود ی کاتاستوتیک یک پرنسس یهودی از نژادگان خاندان کاراچولو و خواهر کارلو کاراچولو مؤسس و صاحب امتیاز گروه رسانه‌ای اسپرسو، غول رسانه‌ای ایتالیا است.

آقای قدیری ایبانه رازین مطبوعاتی و سخنگوی سابق سفارت جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا معتقد است: «یکی از تکتیک‌های صهیونیست‌ها برای تمرکز ثروت، ازدواج با افراد بسیار ثروتمند است تا از این طریق ثروت به فرزندان یهودی‌زاده برسد. اما توطئه در اینجا ختم نمی‌شود، بلکه مرگ و میر در خانواده‌های که یکی از آنها با زنی یهودی ازدواج کرده است شروع می‌شود به نحوی که سهم ارث وارثین یهودی افزایش یابد. این همان بلایی است که بر سر خانواده ادواردو نازل شد و ظاهراً خانواده گانتانی نیز احتمالاً دچار آن شده است.»

ادواردو تحصیلات مقدماتی را در ایتالیا و سپس در کالج اتلانتیک انگلستان گذراند. پس از آن در رشته ادیان و فلسفه شرق از دانشگاه پرینستون آمریکا با درجه دکترا فارغ‌التحصیل شد.

ادواردو ماجرای مسلمان شدنش را چنین تعریف می‌کند: «زمانی که در دانشگاه نیویورک درس می‌خواندم، یک روز در کتابخانه قدم می‌زدم و کتاب‌ها را نگاه می‌کردم. چشمم افتاد به قرآن و کنجکاو شدم که ببینم در قرآن چه چیز آمده است. آن را برداشتم و شروع کردم به ورق زدن و آیاتش را به انگلیسی خواندم. احساس کردم این کلمات، کلمات نورانی است و نمی‌تواند گفته بشر باشد. این بود که بسیار تحت تأثیر قرار گرفتم. این شد که آن ارامت گرفتم و بیشتر مطالعه کردم و احساس کردم که آن را می‌فهمم و قبول دارم.»

این اتفاق که منجر به مسلمان شدن ادواردو گردید، ظاهراً چهار سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی رخ داده است.

اولین آشنایی ادواردو آنبیلی با تشیع و انقلاب اسلامی ایران از طریق یکی از مصاحبه‌های دکتر محمدحسن قدیری ایبانه، رازین مطبوعاتی سفارت ایران در ایتالیا (در سال‌های ۵۸ تا ۶۱) بود که از طریق تلویزیون ایتالیا پخش شده است. ادواردو پس از شنیدن این مصاحبه برای دیدار با قدیری ایبانه به سفارت ایران در ایتالیا مراجعه کرد و صحبت‌ها و ارتباط‌هایش با قدیری ایبانه نهایتاً باعث تشرف آنبیلی به مذهب تشیع شد و نام مهدی را برای خودش برگزید.

در همین سفرها ادواردو با بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران دیدار کرد و امام خمینی پیشانی‌اش را بوسیدند.

همه اینها یعنی آنبیلی آگاهانه و با تحقیق اسلام و شیعه را پذیرفته است. او معتقد بود: «شیعه تک است، چیزی دارد که سایر ادیان ندارند و آن وابستگی به ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام است.»

او گهگاه در مصاحبه‌هایش علیه سیاست‌های کاپیتالیستی حرف می‌زد و در مقابل از طبقات ضعیف جامعه حمایت می‌کرد و از علاقه خود به ادامه مطالعاتش در زمینه ادیان و خدانشناسی صحبت می‌نمود.

گرایش به اسلام و شیعه و فعالیت‌های ضد استبدادی آنبیلی باعث شد در ۲۴ آبان ۱۳۷۹ (۱۵/۱ نوامبر سال ۲۰۰۰) در یک واقعه رموز در ۲۶ سالگی توسط ایادی صهیونیسم جهانی، غریبانه به شهادت برسد. یکپرش را از زیر پل ژنرال فرانکو رومانو در بزرگراه تورینو به ساونا یافتند و شواهد حاکی از آن بود که از روی این پل ۸۰ متری به پایین پرت شده است. مقامات و رسانه‌های ایتالیایی، این مرگ را خودکشی در اثر زیاده‌روی در مصرف مواد مخدر اعلام کردند. اما شواهد و مستندات متعددی در رد این ادعا وجود دارد.

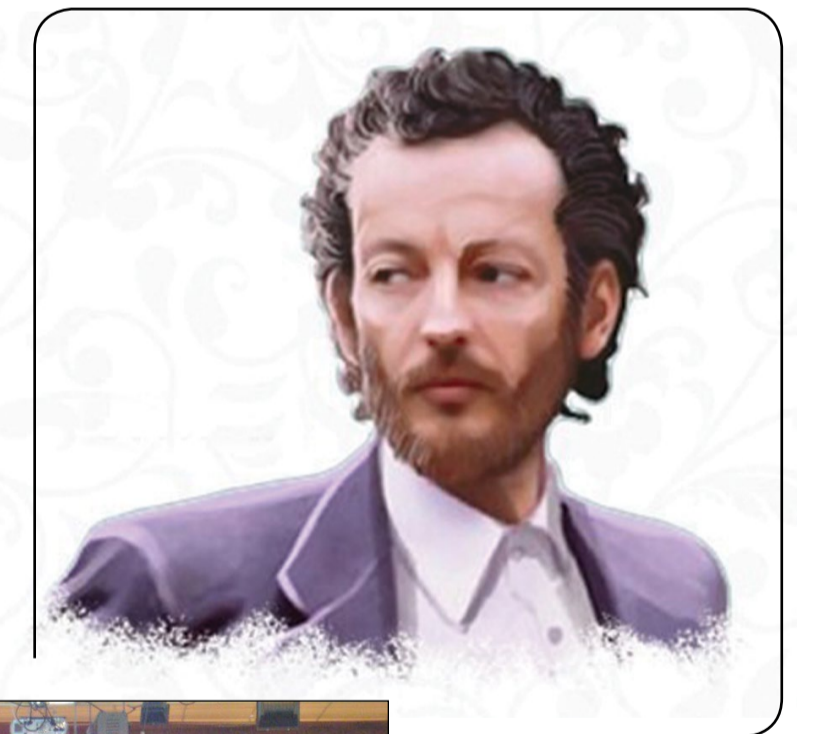
دکتر سعید کاظم داکتر می‌دیسر کل امور اروپا و آمریکای مجمع جهانی اهل‌بیت(ع) که در زمان شهادت ادواردو آنبیلی در ایتالیا مشغول تحصیل بوده، معتقد است آخرین مصاحبه ادواردو با روزنامه لاستامپا که در نقد صهیونیست‌ها بوده، باعث شهادتش شده است. بسیاری از شخصیت‌ها و رسانه‌ها در ایتالیا و خارج ایتالیا مرگ آنبیلی را توطئه‌ای صهیونیستی دانسته‌اند و در ایران نیز مستندی ساخته شد که

نگاهی به تاریخچه و فعالیت‌ها و دستاوردهای انجمن شهید ادواردو آنبیلی

رهیافته شهدای

شد. مستندی که از تأثیرگذارترین مستندها بعد از انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.البته تیم سازنده هم وجود دارد که حاکی از قتل ادواردو است. نخست نهنتها موانع خارجی، بلکه پخش و انتشار این مستند با بی‌مهری‌ها و کارشکنی‌های برخی مسئولان داخلی در دوران اصلاحات نیز مواجه گردید چرا که به‌دلیل غرب‌گرایی‌شان از واکنش احتمالی دولت ایتالیا می‌ترسیدند.

آقای قدیری ایبانه نحوه پخش و انتشار این مستند را چنین شرح می‌دهد: «آقای کاسه‌ساز نامه‌ای می‌نویسد به مقام معظم رهبری، فیلم را



هم ضمیمه‌اش می‌کند و می‌گوید خواهش می‌کنم نظر‌تان را بفرمایید. ظاهراً این فیلم را آقای جلیلی دیده بود و حاشیه‌هایش چیزی می‌نویسد و پیشنهاد می‌دهد و آقا می‌پذیرند که این فیلم قبل از پخش ملی، به دانشگاه‌ها برود و به‌صورت میزگرد بررسی بشود تا موجی ایجاد شود. بعد هم تلویزیون پخش کند. من هم دائم از این جلسه به آن جلسه می‌رفتم، این‌س فیلم را نمایش می‌دادند بعد هم من صحبت می‌کردم. خیر ممنوعیت پخش فیلم توسط وزارت خارجه هم باعث ترغیب بیشتر می‌شد. من همان موقع فردی را دیدم که می‌گفت من خودم پانصد سوسی‌دی تکثیر کردم دادم. بعد هم تلویزیون پخش کرد و خیلی تأثیر گذار بود.»

این مستند توانست تأثیرات زیادی را در جهان ایجاد کند و حتی منجر به مسلمان شدن افرادی از کشورهای مختلف جهان گردید.

از فشارها و تهدیدات، به‌صورت مصلحت‌آمیز اعلام کند که از اسلام روی برگرداند است. مدیر انجمن اسلامی شهید آنبیلی تأکید کرد: «بعضی‌ها من را می‌دیدند می‌گفتند ما ۱۴ ساله بودیم وقتی این فیلم را دیدیم تصمیم گرفتم روحانی بشویم. آقای سیاوش سرمدی کارگردان می‌گفت برخی‌ها به من نامه نوشتند که ما نماز را کنار گذاشته بودیم با دیدن این فیلم دوباره نمازخوان شدیم.» در واقع آنبیلی شهید مظلومی است که داستان زندگی‌اش عنده زبانی را متحول و مسلمان کرده است.

وی با اشاره به اینکه فردی که برنامه‌های بلندمدت برای زندگی خود دارد و اهداف الوایی را دنبال می‌کند، به هیچ‌وجه دست به خودکشی نخواهد زد، ادامه داد: هیچ‌گونه بررسی تکمیلی در مورد نحوه قتل آنبیلی انجام نشد به‌گونه‌ای که بدون کالبدشکافی جسد، مرگ وی را فوراً خودکشی جلوه دادند و جسد وی نیز سریعاً و تا ظاهر فرای روز حادثه به خاک سپرده شد تا فرصت برای هیچ‌گونه تحقیقی مهیا نباشد.

مدیر انجمن شهید آنبیلی با اشاره به اینکه پس از مرگ ادواردو سانسور مطلق درباره مسلمان بودن، عقاید و حتی سفر وی به ایران انجام شد، اضافه کرد: پس از مرگ ادواردو تمامی اسناد و شواهد مربوط به فعالیت‌ها و زندگی وی جمع‌آوری شد. طاهری انذعان داشت: دوست شهید آنبیلی آقای مارکو باوا بر قتل مشکوک ادواردو تأکید دارد و کتابی در این زمینه نوشته است. دکتر مارکو در سال ۲۰۰۱ نامه‌ای به شورای عالی قضایی ایتالیا نوشت و در آن ضمن انتقاد از فرآیند رسیدگی به پرونده ادواردو، علت عدم استفاده از آتمک انسانی برای بازسازی صحنه خودکشی را جویا شد. به عقیده وی شواهد موجود درباره لباس‌ها و کفش ادواردو، خودکشی را تأیید نمی‌کنند و عدم انجام کالبدشکافی نیز غیرقابل قبول است.

مدیر انجمن شهید آنبیلی تأکید کرد: آقای باوا این موضوع را مطرح کرده است که یکی از دلایل به قتل رساندن و شهادت ادواردو نداشتن محافظ شخصی بوده است و این مسئله به جایی سؤال دارد که چگونه برای پسر یک ستاوار معروف محافظی در نظر نگرفته بودند. دکتر مارکو دلایل متفن دیگری نیز دارد که اثبات می‌کند ادواردو خودکشی نکرده است.

طاهری در مورد مستند ایرانی و ارزشمند زندگی این شهید ایتالیایی گفت: نکته جالب درباره مستند نخست زندگی آنبیلی این است که بسیاری از تازه مسلمان‌ها ترجمه‌های این سسی‌دی به زبان‌های مختلف را از ما درخواست می‌کنند و معتقدند در بحث تبلیغ دین اسلام بسیار تأثیرگذار بوده است و بر این مبنا این سسی‌دی به زبان‌های مختلف ترجمه و تکثیر شده است. البته اکنون انتشار فیلم با موضوع زندگی آنبیلی در فضای مجازی و اینترنت در دستور کار ما در آینده قرار داد.

وی افزود: به جرأت می‌توان گفت مستند نخستی که درباره شهید آنبیلی ساخته شد، یکی از تأثیرگذارترین مستندهای پس از انقلاب بوده است. مسئول انجمن شهید ادواردو آنبیلی تصریح کرد: بعد از پخش این مستند حرکت‌هایی در فضاهای سایبری و دانشجویی ایجاد و این فیلم از طریق شبکه‌های برون‌مرزی پخش شده و تأثیرهای مثبت آن حتی در کشورهای روسیه و انگلیس مشاهده شد.

وی با بیان اینکه دولت ایتالیا تمام سعی خود را در ایران بکنه تا شهادت ادواردو را خودکشی نشان دهد، گفت: یکی از مواردی که توانسته این سکوت را بشکند مستندی است که به تهیه‌کنندگی حبیب‌الله



کاسه‌ساز و کارگردانی سیاوش سرمدی در کشور ایتالیا ساخته شد و با ارائه اسنادی متفق توانست شهادت ذهنی مردم را برطرف کند.

شهید آنبیلی امیدوار بود ثروت خاندانش را به دست گرفته و در مسیر اسلام استفاده کند اما زمانی که در حال ساخت بود مشکلاتی برای گروه سازنده آن اعلام کرده بود می‌خواهم به ایران بروم و بنهانده سیای شوم و در قم به تحصیلات ادامه دهم که وی را به قتل رساندند و شهادت وی را همان‌طور که خودش پیش‌بینی کرده بود، خودکشی جلوه دادند.

دلار به او دهند تا از ادامه ساخت این مستند منصرف شود. وی ادامه داد: همچنین تیمی که برای رایزنی فرهنگی از ایران به ایتالیا رفته بودند به‌عنوان تروریست دستگیر و به مدت یک هفته بازداشت شدند زیرا مافیای قدرت مایل نبود حقایق پشت‌پرده این جنایت آشکار شود.

وی به یکی از شبهات اشاره کرد و گفت: یکی از این شبهات این است که چرا این فرد بقی نماز تا با قدرت و ثروتش برای اسلام و تشیع کاری انجام دهد.

طاهری افزود: این در حالی است که خود ادواردو همیشه می‌گفت، این خواست خدا بود که من شیعه شوم تا زندگی افراد بسیاری تحت تأثیر زندگی من عوض شود و در نهایت نیز با شهادت خود این امر را جامعه عمل بپوشاند.

مسئول انجمن شهید آنبیلی تأکید کرد: مسلمان شدن شهید آنبیلی زمانی مطرح شد که بیداری اسلامی هنوز آغاز نشده بود اما زندگی وی نمادی از صدور انقلاب است.

انجمن اسلامی شهید ادواردو آنبیلی

انجمن اسلامی شهید ادواردو آنبیلی یک انجمن مردمی برای تبلیغ اسلام است که تازه مسلمانان زیادی را در خود جای داده است. فعالیت‌های انجمن بر محور تبلیغ اسلام، تشیع و زنده نگه داشتن یاد و نام شهید ادواردو آنبیلی است.

جمال طاهری مدیر مجموعه شهید ادواردو آنبیلی جرقه و روند شکل گیری انجمن را چنین شرح می‌دهد: «حدود سال ۱۳۸۴ بود که مستندی به نام «دواردو» برای شهید ادواردو آنبیلی پخش شد. تا مدت‌ها وقتی شبها می‌خواستم بخوابم وقتی به این مستند فکر می‌کردم گریهام می‌گرفت. به خود

داستان‌های مصور) به ۲۲ زبان داستان های مصوری به منظور تبلیغ اسلام و تشیع منتشر می‌شود.

جدیدترین اخبار تازه مسلمانان در ایران و جهان در سایت رهیافته‌ها با‌نشر می‌گردد.

انجمن شهید ادواردو آنبیلی کارهای تولیدی نیز در این عرصه دارد. معرفی و تحقیق در مورد شهید ادواردو آنبیلی و سایر رهیافتگان مسلمان‌شده است منجر به تولیدات مختلف از جمله مصاحبه‌های جدید توسط خود انجمن شده از جمله فعالیت‌های این انجمن است.

رهیافتگانی که با انجمن ارتباط حضوری دارند، از طریق این مجموعه به برنامه‌های تلویزیونی نیز معرفی شده‌اند. همچنین تازه مسلمان‌ها را برای ایراد سخنرانی به دانشگاه‌ها و انجمن‌های دنیا معرفی می‌نمایند.

تاکنون با همت انجمن شهید آنبیلی چند کتاب و اثر مکتوب در مورد ادواردو تولید شده است؛ از جمله رمان ادواردو که در بخش تحقیقات آن مشارکت داشته‌ایم و با کتاب ادواردو مسافری از رم (اختصاصی نوجوانان) که به علاقه‌مندان ارائه شده است.»

۱۷ آبان ۱۳۹۹ به مناسبت بیستمین سالگرد شهادت ادواردو آنبیلی، کتابی با عنوان «لیخند ادواردو» که قصه‌ای کودکانه درباره شهید ادواردو آنبیلی است، به قلم خانم کلر ژوبرت که خودش هم از رهیافتگان است، منتشر شد.

کلر ژوبرت در سال ۱۳۴۰ در پاریس متولد شد و در یک خانواده مسیحی بزرگ شد. در ۱۹ سالگی مسلمان شد و بعد با یک دانشجوی ایرانی ازدواج کرد. کلر ژوبرت لیسانس علوم تربیتی و فوق لیسانس ادبیات کودکان است و اکنون در ایران زندگی می‌کند.

زندگی اسلامی را دیدند و با اسلام آشنا شدند تازه موتورشان روشن شده است و ازدواج تنها جرقه‌ای از هدایت‌شان بوده‌است. نمونه‌های زیادی هم در این مورد هست. مثل خانم سیا بابایی (کونیکو یامامورا) مادر شهید محمد بابایی که تنها مادر شهید زاپنی دفاع مقدس است. خانم بابایی با یک تاجر مؤمن یزدی آشنا می‌شود و بعد از ازدواج به ایران می‌آید. آن‌قدر این خانواده یزدی رویش تأثیر می‌گذارد که قبل از انقلاب در تظاهرات‌ها شرکت می‌کرد و بعد از انقلاب نیز پی‌رشر را به جبهه می‌فرستد و در نهایت مادر شهید می‌شود.»

مسلمانی از روی تحقیق
در میان تازه مسلمانان، تعدادی هم هستند که بعد از تحقیقات بسیار همچون «مسلمان فارسی» تمام دین‌ها را تجربه کردند و در نهایت اسلام آوردند. طاهری از فردی به نام «شیخ محمد کارو لاسکا» به‌عنوان یکی از نمونه‌های خاص این مورد یاد می‌نماید:

«آقای لاسکا در کشور غنا بت‌پرست بوده است. همه خانواده‌اش بت‌پرست بوده‌اند. او اما نمی‌توانسته این کار را قبول کند. می‌گفت وقتی می‌گفتند این خداست خنده‌ام می‌گرفت. بعد با مسیحیت آشنا می‌شود و درس طبلگی مسیحیت می‌خواند. اما به مسیحیت نیز دچار شیشه و ابهاماتی می‌شود. بعد از هر که می‌برسد درست و حسنی جواش را نمی‌دهد تا اینکه او را به یک کشیش حکیمی معرفی می‌کنند و می‌گویند او حتماً جوابت را می‌دهد. وقتی به کشیش می‌رسد می‌گوید که اگر در دنبال حقیقت هستی مسلمان شو و بعد از تحقیق مسلمان شو. بعد از اسلام آوردن با وهایی‌ها آشنا می‌شود. صدای انقلاب ایران را که می‌شنود، شیعه می‌شود و به هند می‌رود. آن‌جا هم به شک و شبهه می‌رسد چون دیده بود شیعیان روی مهر نماز می‌خوانند تا اینکه خواب امام خمینی را می‌بیند و امام به او می‌گوید که راه درستی را پیش گرفته‌ای و آرامش پیدا می‌کند. بعد به کشورش برمی‌گردد و می‌فهمد چون مبلغ شیعه است برای سرش جایزه گذاشته‌اند تا اینکه به ایران می‌آید و ۸ سال در نجف‌آباد اصفهان زندگی می‌کند. در نهایت به قبيله خودش برمی‌گردد و حوزه علمیه تأسیس می‌کند و شیعه پرورش می‌دهد.»

استفاده از ظرفیت تازه مسلمانان و حل مشکلات‌شان
آقای طاهری در مورد ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های تازه مسلمانان و در عین حال مشکلات طاقت‌فرسای آنان ابراز می‌دارد:

«چلوتر که رفتم و وارد زندگی تازه مسلمان‌ها شدم دیدیم مشکلات بسیار زیادی دارند. فرد تا مسلمان می‌شود طرد می‌شود. وقتی طرد می‌شود چندان کسی را ندارد. فرد تازه مسلمان تنها می‌شود و بسیاری موضوعات مختلف به باعث شد ما به سمت این برویم که یک ساختار حمایتی برای تازه مسلمانان تشکیل بدهیم.»

وی معتقد است در تازه مسلمانان پتانسیل‌های خوب و عجیب و غریبی وجود دارد که می‌تواند برای تبلیغ اسلام بسیار کمک‌کننده باشد. تازه مسلمان‌هایی که هر کدام به شکلی اسلام را پیدا کردند و تسلیمش شدند اما بعد از اسلام آوردن

حسن تهرانی‌مقدم گفته بود: خیلی بعید است شما فرماندهای را پیدا کنید که در وسط میدان

مدبرانه حساب و کتاب کند و در کوران عملیات به فکر حساب و کتاب بیت‌المال باشد. ولی من پیدا کردم و دیدم. احمد کاظمی در اوج عملیات هم به فکر بیت‌المال بود. احمد به پیروی از مولایش امیرالمومنین(ع) چنین بود.

بنا بود علیه منافقین اقدامی انجام بدهیم. سوخت موشک‌ها را زده بودیم و سیستم برنامه‌های موشک‌های نقطه‌زن را تنظیم کرده بودیم که احمد از عمق عراق تماس گرفت و گفت:

– برادر مقدم آماده‌ای؟

گفتم: بله.

گفت: این موشک‌ها چقدر می‌ارزد؟ گفتم: می‌خواهی بخری؟

گفت: بگو چقدر می‌ارزد؟

گفتم: شش هزار دلار. گفت:

– مقدم زن اینها (منافقین) این‌قدر نمی‌ارزند که بخوای این موشک‌ها را خرج‌شان کنی.

موضوع: شهید احمد کاظمی

یک شهید، یک خاطره

نگو بابا زودتر بیا...

مریم عرفانیان

همسرم در وصیت‌نامه‌اش نوشته بود: «به دخترم از همین الان یاد بدهید که نتگوید بابا زودتر بیا. بلکه بگوید: خدایا، زود بیا و هم‌زمان و هم‌سنگران او را پیروز کن. خدایا، بابایم را در انجام این کار مهم الهی، صبر و استقامتی بده. در گوش دخترم شعار انقلابی رزمه کنید تا یاد بگیرد.

به او بگویند: راه پدر، راه خونین امام حسین(علیه‌السلام) است و این راه یعنی گذشتن از جان و مال و فرزند و برای خدا، رنج و مسیبت و بلا و شهادت و اسارت را قبول کردن.»

ستمی از وصیت‌نامه شهید یعقوب بخشنده رازی‌محله
راوی: همسر شهید

صفحه ۸

شنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۲

۲۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۴ – شماره ۲۳۳۴۸